
پرتوی از
سیره و سیمای
پیامبر (ص)
محمدعلی کوشا


بسم الله الرحمن الرحیم

پرتوی از سیره و سیمای محمد صلی الله علیه و آله

نویسنده:

محمد علی کوشا

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرتوی از سیره و سیمای محمد

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: کوشا، محمدعلی

عنوان و شرح مسئولیت: پرتوی از سیره و سیمای محمد [منبع الکترونیکی] / محمدعلی کوشا

ناشر : محمدعلی کوشا

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۰ بایگانی: KB۴۶.۵)

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳قبل از هجرت- ۱۱ق.

مقدمه

حضرت محمد (ص) فرزند عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف، در مکه به دنیا آمد. پیش از ولادت، پدرش عبدالله در گذشته بود، محمد (ص) شش سال داشت که مادرش آمنه را نیز از دست داد. او تا هشت سالگی زیر سرپرستی جدش عبدالمطلب بود و پس از مرگ جدش در خانه عمویش ابوطالب سکنا گزید.رفتار و کردار او در خانه ابوطالب،نظر همگان را به سوی خود جلب کرد و دیری نگذشت که مهرش در دلها جای گرفت.او برخلاف کودکان همسالش که موهایی ژولیده و چشمانی آلوده داشتند، مانند بزرگسالان موهایش رامرتب می کرد و سر و صورت خود را تمیز نگه می داشت.او به چیزهای خوراکی هرگز حری نبود، کودکان همسالش، چنان که رسم اطفال است، با دستپاچگی و شتابزدگی غذا می خوردند و گاهی لقمه از دست یکدیگر می ربودند، ولی او به غذای اندک اکتفا و از حرص ورزی در غذا خودداری می کرد.در همه احوال، متانت بیش از حد سن و سال خویش از خود نشان می داد. بعضی روزها همین که از خواب بر می خاست، به سر چاه زمزم می رفت و از آب آن جرعه ای چند می نوشید و چون به وقت چاشت به صرف غذای دعوتش می نمودند می گفت: احساس گرسنگی نمی کنم. او نه در کودکی و نه در بزرگسالی، هیچ

گاه از گرسنگی و تشنگی سخن به زبان نمیآورد. عموی مهربانش ابوطالب او را همیشه در کنار بستر خود می خوابانید. همو گوید: من هرگز کلمه ای دروغ از او نشنیدم و کار ناشایسته و خنده بیجا از او ندیدم. او به بازیچه های کودکان رغبت نمی کرد و گوشه گیری و تنهایی را دوست می داشت و در همه حال متواضع بود. [۱] آن حضرت در سیزده سالگی، ابوطالب را در سفر شام، همراهی کرد، در همین سفر بود که شخصیت عظمت، بزرگواری و امانتداری خود را نشان داد. بیست و پنج سال داشت که با خدیجه دختر خویلد ازواج کرد، محمد (ص) در میان مردم مکه به امانتداری و صداقت مشهور گشت تا آنجا که همه، او را محمد امین می خواندند. در همین سن و سال بود که با نصب حجرالاسود و جلوگیری از فتنه و آشوب قبایلی، کاردانی و تدبیر خویش را ثابت کرد و با شرکت در انجمن جوانمردان مکه (حلف الفضلول) انساندوستی خود را به اثبات رساند. پاکی و درستکاری و پرهیز از شرک و بت پرستی و بی اعتنایی به مظاهر دنیوی و اندیشیدن در نظام آفرینش، او را کاملا از دیگران متمایز ساخته بود.آن حضرت در چهل سالگی به پیامبری برانگیخته شد و دعوتش تا سه سال مخفیانه بود. پس از این مدت، به حکم آیه «و انذر عشیرتک الاقربین»؛ [۲] یعنی:«خویشاوندان نزدیک خود را هشدار ده»، رسالت خویش را آشکار ساخت و از بستگان خود آغاز کرد و سپس دعوت به توحید و پرهیز از شرک و بت پرستی را به گوش مردم رساند. از همین

جا بود که سران قریش، مخالفت با او را آغاز کردند و به آزار آن حضرت پرداختند، حضرت محمد (ص) در مدت سیزده سال در مکه، با همه آزارها و شکنجه های سرمایه داران مشرک مکه و همدستان آنان، مقاومت کرد و از مواضع الهی خویش هرگز عقب نشینی ننمود. پس از سیزده سال تبلیغ در مکه، ناچار به هجرت شد. پس از هجرت به مدینه زمینه نسبتا مناسبی برای تبلیغ اسلام فراهم شد، هر چند که در طی این ده سال نیز کفار، مشرکان، منافقان و قبایل یهود، مزاحمتهای بسیاری برای او ایجاد کردند. در سال دهم هجرت، پس از انجام مراسم حج و ترک مکه و ابلاغ امامت علی بن ابی طالب (ع) در غدیر خم و اتمام رسالت بزرگ خویش، در بیست و هشت صفر سال یازدهم هجری رحلت فرمود.

اخلاق و سیره پیامبر اکرم

رسول اکرم (ص) کاملترین انسان و بزرگ و سالارتمام پیامبران است.در عظمت آن حضرت همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید او را با تعبیر «یا ایها الرسول» و «یا ایها النبی» مورد خطاب قرار می دهد و او را به عنوان انسانی الگو برای تمام جهانیان معرفی می نماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»؛ [۳] در (سیره و سخن) پیامبر خدا برای شما الگوی نیکویی است.» او به حق دارای اخلاقی کامل و جامع تمام فضایل و کمالات انسانی بود. خدایش او را چنین می ستاید: «انک لعلی خلق عظیم»؛ [۴] «ای پیامبر تو دارای بهترین اخلاق هستی.» «و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک»؛ [۵] «اگر تند خو و سخت دل می بودی مردم

از اطرافت پراکنـده می شدنـد.» از این رو، یکی از مهمترین عوامـل پیشـرفت اسـلام، اخلاـق نیکو و برخورد متین و ملاـیم آن حضـرت بـا مردم بود. در طول زنـدگانی او هرگز دیـده نشـد وقتش را به بطـالت بگذرانـد. در مقـام نیـایش همیشه می گفت: «خـدایا از بیکارگی و تنبلی و زبونی به تو پناه می برم.» و مسـلمانان را به کار کردن تحریض می نمود. او همیشه جانب عدل و انصـاف رارعـایت می کرد و در تجـارت به دروغ و تـدلیس متوسل نمی شـد و هیچگاه در معامله سـخت گیری نمی کرد و با کسـی مجـادله و لجالت نمی نمود و کارخود را به گردن دیگری نمی انـداخت. او صـدق گفتار و ادای امانت را قوام زنـدگی می دانست و می فرمود: این دو در همه تعالیم پیغمبران تاکید و تایید شده است در نظر او همه افراد جامعه، موظف به مقاومت در برابر سـتمکاران هسـتند و نبایـد نقش تماشـاگر داشـته باشـند.می فرمود: برادرت را چه ظـالم باشـد و چه مظلوم، یـاری نما، اصـحاب گفتنـد: معنی یـاری کردن مظلوم را دانستیم، ولی ظـالم را چگونه یاری کنیم؟ فرمود: دسـتش را بگیریـد تا نتوانـد به کسـی ستم کند. [۶] خواننـده گرامی از آنجـا که مـا در روزگار تباهی اخلاق و غلبه شـهوات و آفات به سـر می بریم،مناسـب است که در اینجاسـیمای صـمیمی پیـامبران الهی را عمومـا وچهره تابنـاک حقیقت انسـانی محمـد پیامبر اسـلام را خصوصا در تـابلوی تـاریخی مسـتند و شـکوهمندی بیـابیم که به حق در عصـر مـا برترین تصویر انسانی نزدیک به حقیقت از آن حضـرات است. منشور سه بعدی تاریخ، سه چهره را

نشان می دهد: قیصران، فیلسوفان و پیامبران.پیامبران (سیمایی دوست داشتنی دارند،در رفتار شان صداقت و صمیمیت بیشتر از ابهت و قدرت پیداست، از پیشانیشان پرتو مرموزی که چشمها را خیره می دارد ساطع است، پرتویی که همچون «لبخند سپیده دم» محسوس است اما همچون راز غیب مجهول، ساده ترین نگاهها آن را به سادگی می بینند اما پیچیده ترین نبوغها به دشواری می توانند یافت. روحهایی که در برابر زیبایی و معنا و راز حساسند، گرما و روشنایی و رمز شگفت آن را همچون گرمای یک «عشق» برق یک «امید» و لطیفه پیدا و پنهان زیبایی حس می کنند و آن را در پرتو مرموز سیمایشان، راز پرجذبه نگاهشان و طنین دامنگستر آوایشان، عطر مستی بخش اندیشه شان، راه رفتنشان، نشستنشان، سخنشان، سکوتشان و زندگی کردنشان می بینند، می یابند و لمس می کنند. و به روانی و شگفتی، «الهام» در درونشان جریان می یابد و از آن پر، سرشار و لبریز می شوند.و این است که هرگاه بر بلندی قله تاریخ برآییم انسانها را همیشه و همه جا در پی این چهره های ساده اما شگفت می بینیم که «عاشقانه چشم به آنان دوخته اند،» [۷] ابراهیم، نوح، موسی و عیسی، پیامبران بزرگ تاریخ این چنین بوده اند، اما محمد (ص) که خاتم الانبیاست چگونه است؟«در برابر کسانی که با وی به مشاجره برمی خاستند وی تنها به خواندن آیاتی از قرآن اکتفا می کرد و یا عقیده خویش را با سبکی ساده و طبیعی بیان می کرد و به جدل نمی پرداخت. زندگی اش، پارسایان و زاهدان را به یاد میآورد. گرسنگی را

بسیار دوست می داشت و شکیباییش را بر آن میآزمود. گاه خود را چندان گرسنه می داشت که بر شکمش سنگ می بست تا آزار آن را اندکی تخفیف دهد. در برابر کسانی که او را میآزردند چنان گذشت می کرد و بدی را به مهر پاسخ می داد که آنان را شرمنده می ساخت. هر روز از کنار کوچه ای که می گذشت، یهودیی طشت خاکستری گرم از بام خانه بر سرش می ریخت و او بی آنکه خشمگین شود، به آرامی رد می شد و گوشه ای می ایستاد و پس از پاک کردن سرو رو و لباسش به راه می افتاد. روز دیگر با آنکه می دانست باز این کار تکرار خواهد شد مسیر خود را عوض نمی کرد. یک روز که از آنجا می گذشت با کمال تعجب از طشت خاکستر خبری نشد محمد با لبخند بزرگوارانه ای گفت: رفیق ما امروز به سراغ ما نیامد گفتند: بیمار است. گفت:باید به عیادتش رفت. بیمار در چهره محمد که به عیادتش آمده بود چنان صمیمیت و محبت صادقانه ای احساس کرد که گویی سالها است با وی سابقه دیرین دوستی و آشنایی دارد. مرد یهودی در برابر چنین چشمه زلال جوشانی از صفا و مهربانی و خیر، یکباره احساس کرد که روحش شسته شد و لکه های شوم بد پسندی و آزارپرستی و میل به کجی و خیانت از ضمیرش پاک گردید.چنان متواضع بود که عرب خودخواه و مغرور و متکبر را به اعجاب وامی داشت.زندگی اش، رفتارش و خصوصیات اخلاقی اش محبت، قدرت، خلوص، استقامت و بلندی اندیشه و زیبایی روح

را الهـام می داد. سـادگی رفتـارش و نرمخویی و فروتنی اش از صـلابت شخصـیت و جـذبه معنویتش نمی کـاست. هر دلی در برابرش به خضوع می نشست و هر غروری از شکستن در پای عظمت زیبا و خوب او سیراب می شد. در هر جمعی برتری او بر همه نمایان بود.» [۸] .

صفات و ویژگیهای پیامبر اکرم

از آشـکارترین صـفات رسول خـدا (ص) این بود که غرور پیروزی او را نمی گرفت، چنان که در بازگشت از نبرد بـدر و فتح مکه نشان داد، ونیز از شکست نا امید نمی شد، همان طور که شکست احد بر وی تاثیرنداشت، بلکه پس از آن به سرعت برای جنگ «حمراءالاسد» آماده شد و نیز نقض پیمان بنی قریظه و پیوستن آنان به سپاه احزاب برروحیه او تاثیر نگذاشت، بلکه او را ثابت قـدم گردانیـد. از صـفات دیگر اواحتیاط و پرهیز بود که نیروی دشـمن را بـدین وسـیله ارزیابی کرده، برای مقابله با او به تهیه ابزارو تجهیزات دست می زد. حـتی هنگـام اقـامه نمـاز نیز احتیـاط رااز دست نمی داد، بلکه مراقب و هوشـیار بود. صـفت دیگر او نرمی و همراه بـا صـلابت بـود کـه در شـرایط متغیر جنگی از آن برخـوردار بـود و بـه سـبب سـرعت تغییر این شـرایط دسـتورها و احکام جدیـدی صادر می کرد. سـرعت در فرمانـدهی نزد او، برای مقابله با مسائل جدی، شـرطی اساسـی بود و به تمرکز فرمانـدهی، توجه و تاءکیـد فراوان داشت. بـا یـاران و قوم خود رفتاری مبتنی بر جـذب واصـلاح داشت و روح اعتماد و آرامش را در میان آنها تقویت می کرد. به کوچک رحم می کرد، بزرگ را گرامی می

داشت، یتیم را خشنود کرده و پناه می داد، به فقیران و مسکینان نیکی و احسان می کرد، حتی به حیوانان هم ترحم می نمود و از آزار آنها نهی می کرد.از مهمترین نمونه های انسانیت رسول خدا (ص) این بود که آن حضرت نیروهایی را که برای سرایا و جنگ با دشمن اعزام می کرد به دوستی و مدارا با مردم و عدم یورش و شبیخون علیه ایشان وصیت و سفارش می فرمود. او بیشتر دوست داشت دشمن را به سوی صلح منقاد کند، نه این که مردان ایشان را بکشد. آن حضرت سفارش می کرد تا پیر مردان کودکان و زنان را نکشند و بدن مقتول را شکنجه و مثله نکنند.وقتی قریش به او پناه آوردند، محاصره اقتصادی آنان را لغو بـا تقاضـای ایشـان، برای تهیه گنـدم، از یمن، موافقت فرمود. او به صـلح کامل در جهان دعوت می کرد واز جنگ، جز به هنگام ضرورت و ناچاری، پرهیز داشت. نامه هایی که به سوی پادشاهان می فرستاد به سلام و صلح، آراسته و مزین بود و آن را برای آغـاز کلام در دیـدار بین فرزنـدان آدم قرار داده بود.پیامبر اکرم (ص) در جنگها بیش از یک فرمانـده تعیین می کرد، ضوابطی دقیق برای فرماندهی لشکر و تقویت آن قرار می داد و بین اصول سیاسی و نظامی ارتباط برقرار می ساخت و اطاعت از فرماندهان را رمزی برای انضباط، انقیاد و فرمانبرداری می دانست. او برنامه ریزی جدی، سازماندهی نمونه و فرماندهی برتر را بنیادگذاشت،وفرماندهی لشکر را بر اساس شایستگی و شناخت برگزید. لشکر را به طور یکسان در فرماندهی خود جمع

کرد و از آنچه که در وسع و توانایی رزمندگان بود بیشتر به آنان می بخشید. [۹] .

تلاش برای تحقق انسانیت

وجود رسول خدا (ص) برای همه مردم مایه رحمت بود و هیچ کس را به سبب رنگ و جنس از شمولآن مستثنی نمی کرد. همه مردم نزد او روزی خور خداوند بودند.آن حضرت به این رهنمودها دعوت می کرد:۱ رشد و اعتلای انسانیت می فرمود:«همه مردم از آدم هستند و آدم نیزاز خاک است.»۲ صلح و سلامتی قبل از جنگ.۳ گذشت و بخشش قبل از مجازات.۴ آسان گیری و گذشت قبل از مجازات.از این رو، مشاهده می کنیم که جنگهای او همگی برای اهداف والای انسانی بوده و به منظور تحقق انسانیت انجام می شده است.آن حضرت به نیکی و احسان به مردم و دوستی و مدارا با آنان فرمان می داد. او نمونه ای کامل از رحمت را در فتح مکه نشان داد که با وجود پیروزی بر دشمنان با ایشان برخوردی نیکو کرد، باتوجه به این که می توانست از همه آنان انتقام گیرد، ولی آنان را بحشید و فرمود: بروید شما آزادهستید، در جنگ «ذات الرقاع» به «غوث بن الحارث» که برای قتل آن حضرت می کوشید دست یافت، ولی از او گذشت و او را آزاد کرد. پیامبر با اسیران با مدارا و رحمت برخورد می کرد، بر بسیاری از آنان منت می گذاشت و آزادشان می ساخت و لشکریان را به آنان سفارش می کرد از جمله در یکی از جنگها، با دست خود، دست اسیری را که صدای ناله او را شنید باز کرد. [۱۰] .

اخلاق فرماندهی رسول اکرم

به اخلاقی آراسته بود که خداوند او را چنین می ستاید:«وانک لعلی خلق عظیم». [۱۱] موصوف بودن به این اخلاق، از او یک

فرمانده موفق ساخته بود که می توانست او را به مقصود رسانده و در بسیاری از جنگها پیروزی را برای او به ارمغان آورد. آن حضرت به تمامی مردم مهربان بود و در همه شرایط با لشکریان و مردم خود مدارا می کرد، راستگویی امین، وفادار به عهد و پیمان خود بود، هنگام غضب خشم خود را فرو می برد وهنگام قدرت از مجازات چشم پوشیده و می گذشت. او بین مردم «صلح و دوستی» برقرار می ساخت و از آنان کینه، دشمنی وفتنه را دور می کرد و هر کسی را در جایگاه خود قرار می داد.برجسته ترین صفات عقلی آن حضرت عبارت بود از: تدبیر، تفکر و دوراندیشی. این صفات در عملکردهای او کاملا نمایان است. با تفکر و اندیشه در مورد وضع قوم او می توان فهمید که رسول خدا (ص) عاقلترین مردم جهان بوده است؛ زیرا قومی را به رغم خشونت و تندی اخلاق و فخر فروشی و سخت خویی ای که داشتند چنان تربیت و رهبری کرد که، باهمه این اوصاف، از حامیان جدی او گشتند و همراه با او پرچم اسلام را برافراشتند و به جهاد برخاستند.رسول خدا (ص) روشهای جدیدی را در جنگ، حکومت، مدیریت، سیاست، اقتصاد و مسائل اجتماعی به وجود آورد. در جنگ احزاب به کندن خندق پرداخت، در غزوه حدیبیه با قریش مذاکره کرد و با انعقاد پیمانی به نتایج عملی آن، که بعدها نمایان شد، دست یافت و به همین گونه در هر میدان جنگی به ابتکاری جدید دست می زد که او را در پیروزی بر دشمن یاری می کرد و آنان راز

اقـدامات و تاکتیکهـای خـود در بهت و سـر گردانی فرو می برد. [۱۲] .رسـول اکرم (ص) موفق گردیـد حـاکمیتی از هر جهت باشـکوه و محترم بر پـا دارد تـا همه مردم از زعـامت و رهبری او بهره منـد گشـته و به اوامر او، پس از رهایی از طاعت رهبران مختلف، گردن نهنـد.دعوت رسول خـدا (ص) به اسـلام، مبتنی بر صـلح و سـلامت بود و جنـگ را جز هنگـامی که قسـاوت و دشـمنی و سختگیری آنان بر مسلمانان زیاد شد، مورد توجه قرار نمی داد.در حقیقت، برای دفع زور، به زوری متوسل می شد. از این رو، جنگهـای او از آغاز بر اساسـی ثابت و اسـتوار قرار داشت که لشـکر اسـلامی از آن غفلت نمی کرد،از جمله:دعوت مردم به دین جدید، انعقاد پیمان صلح و پرداخت جزیه یا فتح سرزمین آنان، و نبرد با کسانی که با او دشمنی کنند. [۱۳] .

نظافت

رسول اکرم (ص) به پـاکیزگی علاـقه فراوان داشت و در نظـافت بـدن و لبـاس بی نظیر بود. علاوه بر آداب وضو، اغلب روزها خود را شسـتشو می داد و این هر دو را از عبادات می دانست. مویسـرش را با برگ سدر می شست و شانه می کرد و خود را با مشک و عنبر خوشـبومی نمود. روزانه چند بار، مخصوصا شـبها پیش از خواب و پس از بیداری دندانهایش را با دقت مسواک می کرد. جامه سـفیدش که تا نصف ساقهایش را می پوشانید همیشه تمیز بود. پیش از صرف غذا و بعد از آن دست و دهانش را می شست و از خوردن سبزیهای بد بو پرهیز می نمود. شانه عاج و سرمه

دان و قیچی و آینه و مسواک،جزء اسباب مسافرتش بود. خانه اش با همه سادگی و بی تجملی همیشه پاکیزه بود.تاکید می نمود که زباله ها را به هنگام روز بیرون ببرند و تا شب به جای خودنمانند. نظافت تن و اندامش با قدس طهارت روحش هماهنگی داشت و به یاران وپیروان خود تاکید می نمود که سر و صورت و جامه و خانه هایشان را تمیزنگهدارند و وادارشان می کرد خود را، به ویژه در روزهای جمعه، شستشو داده ومعطر سازند که بوی بد از آنها استشمام نشود و آن گاه در نماز جمعه حضوریابند.

آداب معاشرت

در میان جمع، بشاش و گشاده رو و در تنهایی، سیمایی محزون ومتفکر داشت.هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی کرد و بیشتر اوقات چشمهایش را به زمین می دوخت. اغلب دو زانو می نشست و پای خود را جلوی هیچ کس دراز نمی کرد.در سلام کردن به همه، حتی بردگان و کودکان، پیشدستی می کرد و هرگاه به مجلسی وارد می شد نزدیکترین جای را اختیار می نمود. اجازه نمی داد کسی جلوی پایش بایستد یا جا برایش خالی کند. سخن همنشین خود را قطع نمی کرد و با او طوری رفتار می کرد که تصور می شد هیچ کس نزد رسول خدا از او گرامی تر نیست.بیش از حد لزوم سخن نمی گفت، آرام و شمرده سخن می گفت و هیچ گاه زبانش را به دشنام و ناسزا آلوده نمی ساخت. در حیاو شرم حضور، بی مانند بود. هرگاه از رفتار کسی آزرده می گشت ناراحتی در سیمایش نمایان می شد، ولی کلمه گله و اعتراض بر

زبـان نمیآورد. از بیماران عیادت می نمود و در تشیع جنازه حضور می یافت. جز در مقام دادخواهی، اجازه نمی داد کسـی در حضور او علیه دیگری سخن بگوید و یا به کسی دشنام بدهد و یا بدگویی نماید.

بخشایش و گذشت

بـد رفتاری و بی حرمتی به شـخص خور را با نظر اغماض می نگریست،کینه کسـی را در دل نگاه نمی داشت و در صدد انتقام بر نمیآمـد. روح نیرومنـدش عفو و بخشـایش را بر انتقـام ترجیـح می داد. در جنگ احـد با آن همه وحشـیگری و اهانت که به جنـازه عمویش حمزه بن عبـدالمطلب روا داشـته بودنـد و از مشاهـده آن به شـدت متـالم بود دست به عمل متقابل با کشـتگان قریش نزد و بعـدها که به مرتکـبین آن و از آن جمله هنـد زن ابوسـفیان دست یـافت، در مقـام انتقـام برنیامـد، و حتی ابوقتـاده انصاری را که می خواست زبان به دشـنام آنها بگشاید از بد گویی منع کرد پس از فتح خیبر جمعی از یهودیان که تسلیم شده بودن، غـذایی مسـموم برایش فرسـتادند. او از سوء قصـد و توطئه آنها آگاه شـد، اما به حال خودرهاشان کرد.بار دیگر زنی از یهود دست به چنین عملی زد و خواست زهر در کامش کند که او را نیز عفو نمود. عبدالله بن ابی سـر دسته منافقان که با ادای کلمه شـهادت مصونیت یـافته بود، در باطن امر از این که با هجرت رسول اکرم (ص) به مـدینه بساط ریاست او بر چیـده شـده بود، عـداوات آن حضـرت را در دل می پرورانیـد و ضـمن همکـاری بـا یهودیان مخالف اسـلام، از کارشـکنی و کینه توزی و شایعه

سازی بر ضد او فرو گذار نبود آن حضرت نه تنها اجازه نمی داد یارانش را به سزای عملش برسانند، بلکه با کمال مدارا با او رفتار می کرد و در حال بیماری به عیادتش می رفت در مراجعت از غزوه تبوک جمعی از منافقان به قصد جانش توطئه کردند که به هنگام عبور از گردنه، مرکبش را رم دهند تا در پرتگاه، سقوط کند وبا این که همگی صورت خود را پوشانده بودند، آنها را شناخت و با همه اصرار یارانش، اسم آنها را فاش نساخت و از مجازاتشان صرف نظر کرد. [۱۴] .

حریم قانون

آن حضرت از بدرفتاری و آزاری که به شخص خودش می شد عفو و اغماض می نمود ولی در مورد اشخاصی که به حریم قانون تجاوز می کردند مطلقا گذشت نمی کرد و در اجرای عدالت و مجازات متخلف، هر که بود، مسامحه روا نمی داشت. زیرا قانون عدل، سایه امنیت اجتماعی و حافظ کیان جامعه است و نمی شود آن را بازیچه دست افراد هوسران قرار داد و جامعه را فدای فرد نمود در فتح مکه،زنی از قبیله بنی مخزوم مرتکب سرقت شد و از نظر قضایی جرمش محرز گردید. خویشاوندانش که هنوز رسوبات نظام طبقاتی در خلایای مغزشان به جای مانده بود اجرای مجازات را ننگ خانواده اشرافی خود می دانستند، به تکاپو افتادند که مجازات را متوقف سازند اما آن حضرت نپذیرفت و فرمود:«اقوام و ملل پیشین دچار سقوط وانقراض شدند،بدین سبب که در اجرای قانون عدالت، تبعیض روا می داشتند، قسم به خدایی که جانم در قبضه قدرت اوست در اجرای عدل درباره هیچ کس سستی

نمی کنم، اگر چه مجرم از نزدیکترین خویشاوندان خودم باشد.»او خود را مستثنی نمی کرد و فوق قانون نمی شمرد. روزی به مسجد رفت و در ضمن خطابه فرمود:«خداوند سوگند یاد کرده است در روز جزا از ظلم هیچ ظالمی نگذرد، اگر به کسی از شما ستمی از جانب من رفته و از این رهگذر حقی بر ذمه من دارد من حاضرم به قصاص و عمل تقابل تن بدهم.» از میان مردم شخصی به نام سواده بن قیس به پاخاست و گفت: یا رسول الله روزی که از طائف بر می گشتی و عصارا در دست خود حرکت می دادی به شکم من خورد و مرا رنجه ساخت. فرمود: «حاشا که به عمد این کار را نکرده باشم معهذا به حکم قصاص تسلیم می شوم) فرمان داد همان عصا را بیاورند و به دست سواده داد و فرمود: «هرعضوی که از بدن تو با این عصا ضربت خورده است به همان قسمت از بدن من بزن و حق خود را در همین نشئه دنیا از من بستان.» سواده گفت: نه، من شما را می بخشم. فرمود: «خدا نیز بر تو ببخشد.» آری چنین بود رفتار یک رئیس و زمامدار تام الاختیار دین و دولت در اجرای عدل اجتماعی و حمایت از قانون. [۱۵] .

احترام به افکار عمومی

رسول خدا (ص) در موضوعاتی که به وسیله وحی و نص قرآن، حکم آن معین شده بود اعم از عبادت و معاملات، چه برای خود و دیگران، حق مداخله قائل نبود و این دسته از احکام را بدون چون و چرا به اجرا در میآورد؛ زیرا تخلف از آن احکام، کفر

به خداست: «ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هماالکافرون»؛ [۱۶] .(و کسانی که بهآنچه خدا فرو فرستاده داوری نکرده اند، آنـان خود کفر پیشه گاننـد)امـا در موضوعـات مربوط به کار و زنـدگی،اگر جنبه فردی داشت و در عین حال یک امر مباح و مشـروع بود، افراد، اسـتقلال رای و آزادی عمل داشـتند. کسـی حق مـداخله در کارها خصوصـی دیگری را نـداشت، و هرگاه مربـوط به جـامعه بود حق اظهـار رای را برای همه محفوظ می دانست و بـا این که فکر سـیال و هوش سـرشارش در تشـخیص مصالح امور بر همگان برتری داشت، هرگز به تحکم و اسـتبداد رای رفتار نمی کرد و به افکار مردم بی اعتنایی نمی نمود. نظر مشورتی دیگران را مورد مطالعه و توجه قرار می داد و دستور قرآن مجید را عملا تایید نموده و می خواست مسلمین این سنت را نصب العین خود قرار دهند.در جنگ بدر در سه مرحله، اصحاب خود را به مشاوره دعوت نموده فرمود نظر خودتان را ابراز کنید. اول درباره این که اصـلا با قریش بجنگند و یا آنها را به حال خود ترک کرده و به مدینه مراجعت کنند.همگی جنگ را ترجیح دادند و آن حضـرت تصویب فرمود. دوم محل اردوگاه را به معرض مشورت گذارد که نظر حباب بن منذر مورد تایید واقع شـد. سوم در خصوص این که بـا امرای جنـگ چه رفتـاری شود به شور پرداخت. بعضـی کشـتن آنها را ترجیـح دادنـد و برخی تصویب نمودنـد آنهـا را در مقابل فـدیه آزاد نماینـد و رسول اکرم (ص) باگروه دوم موافقت کرد.در جنگ احـد روش مبارزه را در معرض شور

قرار داد که آیادر داخل شهر بمانند و به استحکامات دفاعی بپردازند و یا در بیرون شهر اردو بزنند و جلوی هجوم دشمن را بگیرند، که شق دوم تصویب شد.در جنگ احزاب، شورایی تشکیل داد که درخارج مدینه آرایش جنگی بگیرند و یا در داخل شهر به دفاع بپردازند. پس از تبادل نظر بر این شدند که کوه سلع را تکیه گاه قرار داده و در پیشاپیش جبهه جنگ، خندق حفر کنند مانع هجوم دشمن گردند.در غزوه تبوک امپراطور روم از نزدیک شدن مجاهدان اسلام به سر حد سوریه به هراس افتاده بود وچون به لشکر خوداعتماد نداشت به جنگ اقدام نکرد. رسول خدا (ص) به مشورت پرداخت که آیا پیشروی کند یا به مدینه برگردند که بنا به پیشنهاد اصحاب مراجعت را ترجیح داد. [۱۷] .چنان که می دانیم همه مسلمانان به عصمت و مصونیت او از خطا و گناه، ایمان داشتند وعمل او را سزوار اعتراض نمی دانستند، ولی درعین حال، رسول اکرم (ص)انتقاد اشخاص را اگر چه انتقادبی مورد با سعه صدر تلقی می نمود و مردم را در تنگنای خفقان و اختناق نمی گذاشت و با کمال ملایمت با جواب قانع کننده، انتقاد کننده را به اشتباه خود واقف می کرد.او به این اصل طبیعی اذعان داشت که آفریدگار مهربان، وسیله فکر کردن و سنجیدن و انتقاد را به همه انسانها عنایت کرده و آن را مختص به صاحبان نفوذ و قدرت ننموده است. پس چگونه می توان حق سخن گفتن و خرده گرفتن را از مردم سلب نمود آن حضرت به ویژه دستور فرموده است که هرگاه زمامداران، کاری بر

خلاف قانون عـدل مرتکب شدنـد، مردم در مقام انکار و اعتراض برآینـد.رسول اکرم (ص) به لشکری از مسـلمانان ماموریت جنگی داد و شخصی را از انصار به فرماندهی آنها نصب کرد فرمانده در میان راه بر سر موضعی بر آنها خشمگین شد ودستور دار هیزم فراوانی جمع کننـد و آتش بیفروزنـد. همین که آتش برافروخته شد گفت: آیا رسول خدا به شـما تاکید نکرده اسـت که از اوامر من اطاعت کنیـد؟ گفتنـد: بلی. گفت: فرمان می دهم خود را در آن آتش بیندازید. آنها امتناع کردند. رسول اکرم (ص) از این ماجرا مستحضـر شد فرمود: «اگر اطاعت می کردند برای همیشه در آتش می سوختند اطاعت در موردی است که زمامـداران مطابق قانون دسـتوری بدهنـد.» [۱۸] .در غزوه حنیـن کـه سـهمی از غنـائم را به اقتضـای مصـلحت به نـو مسـلمانان اختصاص داد، سعدبن عباده و جمعی از انصار که از پیشقدمان ومجاهدان بودند زبان به اعتراض گشودند که چرا آنها را بر ما ترجیـح دادی؟ فرمود:همگی معترضـین در یـک جـا گرد آینـد، آن گاه به سـخن پرداخت و با بیانی شـیوا و دلنشـین آنها را به موجبـات کـار، آگـاه نمـود. به طوری که همگی به گریه افتادنـد و پوزش خواسـتند. همچنین در این واقعه، مردی از قـبیله بنی تمیم به نام حرقوص (که بعدها از سـردمداران خوارج نهروان شد) اعتراض کرده با لحن تشدد گفت: به عدالت رفتار کن عمر بن خطاب از گسـتاخی او برآشفت و گفت: اجازه بدهید هم اکنون گردنش را بزنم فرمود: نه او را به حال خودش بگذار و رو به سوی او کرده و با خونسردی فرمود: «اگر من

به عـدالت رفتار نکنم چه کسـی رفتار خواهد کرد؟»درصـلح حدیبیه عمر بن خطاب در خصوص معاهده آن حضـرت با قریش انتقـاد می نمود که چرا بـا شـرایط غیر متساوی پیمان می بنـدد؟ رسول اکرم با منطق و دلیل نه با خشونت، او را قانع کرد. [۱۹] .رسول اکرم (ص) بـا این روش خود عـدل و رحمت را به هم آمیخته بود و راه و رسم حکومت رابه فرمانروایان دنیا میآموخت تا بداننـد که منزلت آنها در جوامع بشـری مقام و مرتبه پـدر مهربان و خردمنـداست نه مرتبه مالک الرقابی، او می باید همه جا صلاح امر زیر دسـتان را در نظربگیرند نه اینکه هوسـهای خودشان را بر آنها تحمیل نمایند. می فرمود: «من به رعایت مصلحت مردم از خود آنهانسبت به خودشان اولی و شایسـته ترم و قرآن کریم مقام و منزلت مرا معرفی کرده است النبی اولی بالمومنین من انفسهم [۲۰] پس هرکس از شـما از دنیـا برود چنـانچه مالی از خود بجا گذاشـته متعلق به ورثه اوست وهرگاه وامی داشـته باشـد و یـا خانواده مسـتمند و بی پناهی از او بازمانـده باشـد دین او بر ذمه من و سـرپرستی و کفالت خانواده اش بر عهـده من است» [۲۱] .آری این است سـیمای صـمیمی و چهره تابناک پیامبربزرگواراسلام، و چنین است سیره عملی آنحضرت. او کسی است که اخلاق انسـانی و ملکـات عـالیه را در زمـانی کوتـاه آن چنـان در دل مسـلمین گسـترش داد که از هیـچ، همه چیز را سـاخت، او با رفتار و کردارش گردنکشان عرب را به تواضع و زورگویان رابه رافت، و تفرقه افکنان رابه یگانگی، و کافران را به

ایمان، و بت پرستان را به توحید،و بی پروایان رابه پاکدامنی، و کینه توزان را به بخشایش، و بیکاران را به کار و کوشش، و درشتگویان را درشتخویان رابه نرمخویی، و بخیلان را به ایثار و سخاوت، و سفیهان را به عقل و درایت، رهنمون و آنان را از جهل و ضلالت به سوی علم و هدایت رهبری فرمود. [۲۲] صلوات الله و سلامه علیه و علی آله اجمعین.

پاورقی

[۱] گوشه ای از اخلاق محمد. مقاله آیت الله سید ابوالفضل مجتهد زنجانی در کتاب محمد خاتم پیامبران، ج ۱، ص ۳۷۲.

[۲] سوره شعراء آیه ۲۱۴.

[۳] سوره قلم، آیه ۴.

[۴] سوره قلم، آیه ۴.

[۵] سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

[۶] محمد خاتم پیامبران ج ۱، ح ۳۷۶.

[۷] اسلام شناسی (دانشگاه مشهد) ۵۶۲ ۵۶۳.

[۸] همان. ۵۴۵ ۵۵۷.

[۹] مدیرت نظامی در نبردهای پیامبر اسلام، ص ۱۰۸ ۱۱۳.

[۱۰] پیشین، ص ۳۴.

[۱۱] سوره قلم، آیه ۴. یعنی «به راستی که تو دارای اخلاقی بزرگ و ارزشمند هستی.».

[۱۲] پیشین ص ۷۷.

[۱۳] پیشین، ص ۲۷۵.

[۱۴] محمد خاتم پیامبران، ج ۱، ص ۳۴۸ ۳۸۶، به نقل از صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۵۲.

[۱۵] همان.

[۱۶] سوره مائده. ایه ۴۴.

[۱۷] همان.

[۱۸] همان.

[۱۹] همان.

[۲۰] سوره احزاب آیه ۷.

[۲۱] همان.

[۲۲] برای آگـاهی بیشتر از سـیره و اخلاق پیامبر اکرم (ص) به مقاله ارزنـده و پرمحتوای مرحوم آیت الله حاج سـید ابوالفضـل مجتهد زنجانی تحت عنوا ن (گوشه ای از اخلاق محمد) در کتاب محمد خاتم انبیا ج اول مراجعه شود.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹